

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

حمید محوی

۱۲ اپریل ۲۰۱۵

معرفی کتاب

## سخنی چند درباره

### «آزادی، حق انتقاد از اسلام است» نوشته منوچهر جمالی

با توجه به قدمت تاریخی تهاجم خونبار و دهشتناک اسلام به ایران از آغاز (با کشتار مردان و تجاوز به زنان و به بردگی کشیدن آنها و ممنوع ساختن زبان فارسی) تا امروز و با توجه به رویدادهای معاصر ایران و تشکل دولت جمهوری اسلامی در ایران، با توجه به اختناق عمومی در طول تاریخ ایران و خاصه اختناقی که خود دستگاه مذهبی از پایگاه ایدئولوژیک و اعتقادی روی نقد مذهب ایجاد کرده و ضمانت های اجرائی آن را نیز به ما نشان داده است، یعنی دست کم از قتل احمد کسروی و منشی او به جرم اهانت به مقدسات تا تمام قربانیان دوران جمهوری اسلامی ایران که به جرم محاربه با خدا به تیر اعدام سپرده شده اند، بخشی از جامعه ایران را بر آن داشت تا در مورد مبانی دین اسلام و تأثیرات آن در روند اجتماعی تأملاتی داشته باشند و در مجموع ادبیاتی در زمینه نقد مذهب ایجاد کنند.

این جریان انتقادی که غالباً در محدوده اپوزیسیون ها واقع شده ولی به دلیل وابستگی سیاسی و اقتصادی به امپریالیست ها غالباً در راستای نیازهای تبلیغاتی صاحب کار و در نتیجه ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی حرکت کرده و کمتر به خود اسلام پرداخته است و نه تنها دین اسلام را زیر علامت سؤال نبرده اند، بلکه اصطلاح آخوند خوب و آخوند بد را نیز رایج ساختند. مثل خود ایالات متحده که بر اساس نیاز هایش القاعده افراطی و میانه رو را راه اندازی کرد: تروریست افراطی و تروریست میانه رو.

علاوه بر این گرچه این اپوزیسیون ها به دلیل پایگاه طبقاتی و وابستگی هایشان و خصوصاً به این علت که بورژوازی کمپرادور ایران که همین اپوزیسیون ها نماینده بارز و برجسته آن هستند طبیعتاً نمی توانستند نقد پویایی را رایج سازند. چرا که نقد مذهب چنان که بخواهد عملکرد اجتماعی داشته باشد و از مذهب عبور کند و دوران نوینی را در چشم انداز جامعه ایرانی بگذارد، نیازمند به شناخت عینی و ساخت و ساز قانونمند است و ما نمی توانیم از این بورژوازی انتظار چنین رویکردهائی را داشته باشیم. متأسفانه این اپوزیسیون ها به دلیل وابستگی به سیاست های امپریالیستی و بهره مندی از صندوق کمک های ویژه پنتاگون، از جایگاه معتبر یک جریان پویا و قانونمند که بتواند بر اساس نیازهای ضروری و تاریخی جامعه ایران عملکرد عینی و مثبت داشته باشند به دور

بوده و هستند. البته این وابستگی که جزء بنیادهای این طبقه می باشد، تنها دلیل این کاستی های ما در نقد مذهب نیست. دلایلی دیگری نیز وجود دارد که شاید بتوانیم دست کم بخشی از این دلایل را در کتاب صادق زیبا کلام زیر عنوان «ما چگونه ما شدیم» جست و جو کنیم. با این وجود بین سیاه و سفید درجات مختلفی وجود دارد، استثناهایی وجود دارد، و ما اگر با دید انتقادی و شناخت آثار را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم، حتی در بی اعتبارترین کتاب ها شاید بتوانیم رگه های طلای نابی را کشف کنیم. کتابی را که در اینجا می خواهم معرفی کنم خوشبختانه باید جزء همین استثناها بدانیم.

خیلی از شما شاید با آثار منوچهر جمالی آشنائی داشته باشید، ولی شاید خیلی از شما هنوز کتاب «آزادی، حق انتقاد از اسلام است» را نخوانده باشید. من خودم جزء آن دسته از خوانندگانی هستم که خیلی به تازگی کتاب «آزادی، حق انتقاد از اسلام است» را دانلود کرده ام و تا اینجائی که در خواندن کتاب پیش رفته ام، تشویق شدم که برای این کتاب در گاهنامه هنر و مبارزه تبلیغ کنم، متأسفانه شانس کشف این نویسنده را در زمان حیاتش نداشتم (او در ۵ جون ۲۰۱۲ در اسپانیا چشم از جهان فرو بست).

با این وجود تا اینجا (در ۵۰ صفحه اول)، دو انتقاد را به این کتاب وارد می دانم. **انتقاد اول** این است که در اغلب موارد و یا به اندازه کافی برای نظریات مطرح شده به قرآن و یا آثار مذهبی مراجعه نکرده است، به عنوان مثال در ص ۳۵ وقتی می گوید «مشرک قابل تربیت نیست و باید او را کشت» به هیچ سوره و آیتی اشاره نمی کند. هر چند که ما در تمام صفحات کتابی که مسلمانان مقدس می پندارند با این گونه فرامین مرگ برای خداناپوران روبه رو می شویم و موضوع شناخته شده ای است (سوره بقره شهرت خاصی دارد). من بیشتر شیوه نگارش نویسندگانی مانند میشل اونفره را در «رساله خداناپاوری» ترجیح می دهم که مکان تمام آیت ها و سوره های تورات و اناجیل و قرآن را مشخص کرده است. این شیوه کار برای تسهیل گسترش های بعدی برای خوانندگان فعالی که دوست دارند منابع اصلی را کنترل کنند مفید خواهد بود. البته این انتقاد مطلق نیست و نویسنده در برخی موارد به این امر پاسخ گفته است. **انتقاد دوم** نیز مرتبط است به موضع گیری ضد کمونیستی منوچهر جمالی، خصوصاً وقتی که شعار گویانه از «آزادی، حق انتقاد از مارکسیسم» (صفحه ۵۳ نسخه پی دی اف) حرف می زند، گوئی که مارکسیست ها برای کسی حق انتقاد قائل نیستند و یا امکان انتقاد در این مکتب ماتریالیستی وجود ندارد... یعنی موضوعی که موجب ریزش تأملات انتقادی او می شود.

با این وجود اگر از این موضع گیری های تردید آمیز و غالباً بی مورد و حتی خارج از موضوع قطع نظر کنیم، در «حق انتقاد از اسلام» کتاب بسیار ارزشمندی در زمینه نقد مذهب خواهیم یافت.

۱۰ اپریل ۲۰۱۵

حمید محوی